



## هم‌پایگی عطفی در زبان فارسی

مهرداد نغزگوی کهن<sup>۱</sup>  
جلال احمدخانی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این مقاله بررسی امکانات دستوری زبان فارسی برای بیان هم‌پایگی عطفی است. در این زبان، علاوه بر استفاده از همجواری پایه‌ها، از هم‌پایه‌سازها در ایجاد ساخت‌های هم‌پایه استفاده می‌شود. در انتخاب هم‌پایه‌سازهای عطفی عوامل کاربردشناسی، معنایی و نیز مقوله پایه‌ها نقش دارند. هنگامی که نوع ارتباط دو پایه از رهگذر مراجعه به بافت و کاربرد معین می‌شود، معمولاً هم‌پایه‌ساز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. هم‌پایه‌سازهای خاصی ناظر بر معانی توالی و یا همزمانی پایه‌ها هستند و بعضی دیگر معنای افزایشی یا تأکیدی دارند. معنای تأکیدی را بیشتر در میان هم‌پایه‌سازهای گسسته/ دوگانه می‌توان مشاهده کرد. بعضی از هم‌پایه‌سازها مثل  $O=$ ، «و»، «هم...» «هم»، «نه...» «نه» یا پایه‌هایی با هر مقوله دستوری به کار می‌روند. ولی اکثر هم‌پایه‌سازهای دیگر نسبت به مقوله پایه‌ها حساس هستند. به لحاظ بسامد نوع، بیشترین هم‌پایه‌سازها (۲۴ مورد) تنها با بند به کار می‌روند، و هم‌پایه‌سازهای مخصوص گروه‌های اسمی / گروه‌های حرف اضافه‌ای (هر کدام دو مورد) و گروه‌های صفتی (یک مورد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به لحاظ جایگاه هم‌پایه‌سازها نیز زبان فارسی از جمله زبان‌های نادری است که در آن در ساخت یک هم‌پایه‌ساز، کلمه هم‌پایه‌ساز می‌تواند قبل از پایه اول قرار بگیرد. [co A][B].

**کلیدواژه‌ها:** ساخت هم‌پایه، هم‌پایگی عطفی، هم‌پایه‌ساز، رده‌شناسی، فارسی.

✉ mnkohan@yahoo.com

✉ ahmadkhani@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۷

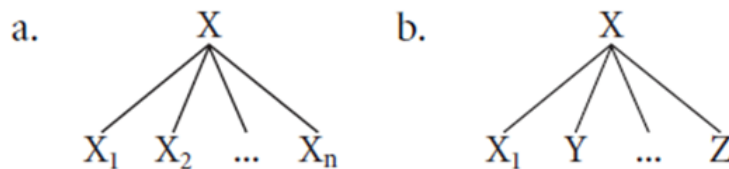
۱- دانشیار، عضو هیأت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

۲- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۶

## ۱. مقدمه

همهٔ زبان‌های جهان به نوعی دارای ساخت‌های هم‌پایه هستند (گازدار<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۸۵: ۱۶۹). با این حال، تعریف هم‌پایگی به لحاظ بین‌زبانی بسیار سخت است. به‌طور کلی، در تحقیقات موجود این مفهوم با توجه به ملاحظات صوری (عمدتاً نحوی) و یا ملاحظات معنایی توصیف شده است. براساس ملاحظات صوری، ساخت هم‌پایه ساختی در نظر گرفته شده که همهٔ سازه‌ها یا پایه‌های<sup>۲</sup> آن دارای مقولهٔ نحوی یکسان مانند مقولهٔ کل ساخت هستند. همین خصوصیت است که هم‌پایگی را از وابستگی<sup>۳</sup> متمایز می‌سازد؛ زیرا در وابستگی مقولهٔ کل ساخت تنها با یکی از سازه‌ها یعنی (هسته) تعیین می‌شود و دیگر سازه‌ها (وابسته‌ها) نقشی در این زمینه بازی نمی‌کنند. با نمودار زیر می‌توان به وضوح این تفاوت را باز نمود (یوآسا<sup>۴</sup> و سادوک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲: ۹۰؛ نیز رک. هسپلمت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴: ۳۴)



شکل ۱: مقایسهٔ هم‌پایگی و وابستگی

نمودار a ناظر بر هم‌پایگی است؛ زیرا در آن مقولهٔ سازه‌ها (مقولهٔ X) مانند هم است، و کل ساخت نیز همین مقوله را دارد. در نمودار b سازه‌ها مقوله‌های مختلفی دارند (X, Y, Z, ...) و کل سازه نیز تنها ناظر بر یکی از مقوله‌ها (یعنی مقولهٔ X) است. این تعریف که ناظر بر تعریف‌های سنتی در دستور زایشی است، بسیار صریح و روشن است، ولی در عمل با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود، مثلاً ساخت‌های بدل<sup>۷</sup> نیز با این تعریف هم‌پایه تلقی می‌شوند (برای توضیحات بیشتر و مرور پیشینهٔ تحقیق در مورد هم‌پایگی رک. شعبانی و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر این، هسپلمت (۲۰۰۴: ۳۴) معتقد است که در ساخت‌هایی مثل Robert and Maria هم‌پایه‌ساز and را می‌توان به جزء دوم منتسب کرد؛ زیرا معلوم نیست این کلمهٔ عطف مستقل باشد (برای ملاک‌هایی برای منتسب کردن هم‌پایه‌سازها به اجزای ساخت هم‌پایه، رک. بخش ۲.۲.۱. همین مقاله). با این انتساب تعریف صوری دچار مشکل می‌شود؛ زیرا دیگر ساختی متقارن نداریم:

1. Gazdar
2. coordinands
3. subordination/dependency
4. Yuasa
5. Sadock
6. Haspelmath
7. appositive constructions

## 1. [[Robert] [andMaria]]

برای جلوگیری از چنین مشکلاتی وی تعریف بین‌زبانی هم‌پایگی براساس معنا را موجه‌تر می‌داند و در این راستا تعریف زیر را به‌دست می‌دهد:

اصطلاح هم‌پایگی ناظر بر آن دسته از ساخت‌های نحوی است که در آنها دو یا چند واحد از نوع یکسان با هم ترکیب می‌شوند تا واحد بزرگ‌تری بسازند، به‌طوری که روابط معنایی اولیه‌شان با سایر عناصر اطراف آنها تغییری نکند (هسپلمت، ۲۰۰۷: ۱؛ نیز رک. هسپلمت، ۲۰۰۴: ۳۴).

در این تحقیق نیز برای شناسایی ساخت‌های هم‌پایه و طبقه‌بندی انواع آنها از این تعریف سود جست‌ه‌ایم. در واقع، زبان‌شناسان معمولاً چهار نوع ساخت هم‌پایه عطفی<sup>۱</sup>، انفصالی<sup>۲</sup>، تقابلی<sup>۳</sup> و علی<sup>۴</sup> را از هم متمایز می‌کنند. پرکاربردترین نوع هم‌پایگی از نظر بسامد وقوع در زبان‌ها هم‌پایگی عطفی است، که به آن هم‌پایگی «و» نیز می‌گویند. به‌خاطر بسامد وقوع بالا، بعضی از زبان‌شناسان (مثل هسپلمت، ۲۰۰۴) وام‌گیری هم‌پایه‌سازهای عطفی را کمتر محتمل می‌دانند (امری که برای زبان فارسی صدق نمی‌کند). با این حال، زبان‌هایی وجود دارند که در آنها اصلاً هم‌پایه‌ساز عطفی وجود ندارد، مثل زبان ماری کوپا<sup>۵</sup> (جیل<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱) و علاوه بر این، زبان‌هایی نیز هستند که اصلاً کلمه ربط ندارند، مثل زبان پرنگی<sup>۷</sup> (میتون<sup>۸</sup>، ۱۹۸۸: ۳۳۴). در مواردی که کلمه ربط مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و یا در زبان‌هایی که این‌گونه کلمات ربط را ندارند، بار انتقال معنی را کاربردشناسی، یعنی بافت کلامی (مثل همجواری<sup>۹</sup> اجزای هم‌پایه شده) و بافت موقعیتی بر دوش می‌کشد (مائوری<sup>۱۰</sup> و ون در آئورا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۲). همان‌طور که کرتمن<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۷: ۴۶) بیان می‌دارد، استفاده از کلمات ربط آشکار بیشتر در نوشتار رایج است و در گفتار از امکانات بافت موقعیت مثل آهنگ و نشانه‌های فرازبانی استفاده می‌شود.

به دلیل گوناگونی‌های فوق، ساخت‌های هم‌پایه به لحاظ کاربرد کلمه ربط اتصال دهنده، به دو دسته فاقد هم‌پایه‌ساز<sup>۱۳</sup> و دارای هم‌پایه‌ساز<sup>۱۴</sup> تقسیم می‌شوند. ساخت‌های دارای هم‌پایه‌ساز خود به دو دسته یک‌هم‌پایه‌ساز<sup>۱۵</sup> و گسسته (دوگانه)<sup>۱۶</sup> قابل تقسیم می‌باشند. در ساخت‌های یک‌هم‌پایه‌ساز، تعداد پایه‌ها

1. conjunctive
2. disjunctive
3. adversative
4. causative
5. Maricopa
6. Gil
7. Parengi
8. Mithun
9. juxtaposition
10. Mauri
11. van der Auwera
12. Kortmann
13. asyndetic
14. syndetic
15. monosyndetic
16. bisyndetic

همیشه یکی بیشتر از تعداد هم‌پایه‌سازها است، ولی در ساخت گسسته تعداد پایه و هم‌پایه‌ساز برابر است (هسپلمت، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷؛ نیز برای توضیح انواع کلمات ربط و مثال‌هایی از فارسی رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۲). هدف ما در این تحقیق تنها متمایز ساختن ساخت‌های عطفی هم‌پایه و توصیف مشخصه‌های دستوری این ساخت‌ها در زبان فارسی با استفاده از رویکرد هسپلمت (۲۰۰۴ و ۲۰۰۷) است.

بخش ۲ این مقاله به مشخصه‌های رده‌شناختی ساخت‌های هم‌پایه براساس مدل هسپلمت (۲۰۰۴) و (۲۰۰۷) اختصاص دارد. در این راستا، مشخصه‌های معنایی، صرفی و نحوی این ساخت‌ها و گوناگونی‌های آنها در زبان‌های جهان توصیف شده است. بخش ۳ به توصیف ساخت‌های هم‌پایه در فارسی اختصاص دارد. در این تحقیق، به فارسی معاصر نظر داشته‌ایم. تحلیل‌های این بخش بیشتر براساس داده‌هایی است که از رسانه‌های جمعی (روزنامه‌های آرمان، اعتماد، شرق، مردم‌سالاری، جمهوری اسلامی، جام‌جم، ایران و همشهری) و موتور جستجوی گوگل جمع‌آوری شده است (شواهدی که منبع‌شان مشخص نشده مربوط به مورد اخیر است). این مقاله با قسمت نتیجه‌گیری پایان می‌یابد. در این قسمت، مشخصه‌های منحصر به فرد فارسی با توجه به مدل توصیفی رده‌شناختی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در اینجا لازم است یادآوری کنیم که تمایزات معنایی در پایه‌ها، مثل جاننداری، خاص یا عام بودن آنها و جز آنکه در فارسی مصداق چندانی ندارد، در این تحقیق مورد توجه قرار نگرفته است (برای توضیح بیشتر در مورد این تمایزات رک. هسپلمت، ۲۰۰۴: ۱۲ و لقبور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). علاوه بر این، بررسی فرایند حذف در ساخت‌های هم‌پایه‌نیز به مجال دیگری موکول شده است. سرانجام اینکه بحث در مورد ترکیبات عطفی واژگانی شده (مثل «دل و جرأت») در این تحقیق به کناری نهاده شده‌اند؛ زیرا این ترکیبات متعلق به حوزه صرف/واژگان هستند (برای بررسی چگونگی تمایز این ترکیبات با ترکیبات نحوی رک. جم، ۱۳۹۱).

## ۲. ساخت هم‌پایه

ساخت هم‌پایه از دو یا چند پایه با مقولهٔ یکسان تشکیل می‌شود<sup>۲</sup>. پایه‌ها می‌توانند با هم‌پایه‌ساز(ها) به هم متصل شوند. البته، همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم، در همهٔ زبان‌ها حضور هم‌پایه‌سازها همیشه اجباری نیست و ایجاد ارتباط میان پایه‌ها ممکن است تنها با هم‌نشینی<sup>۳</sup> و استفاده از کاربردشناسی مشخص شود. در صورت وجود هم‌پایه‌ساز اهمیت کاربردشناسی و بافت کمتر می‌شود. هم‌پایه‌سازها حاوی معناهای 'و'، 'یا'، و 'اما/ولی' هستند. هم‌پایه‌سازها می‌توانند کلمهٔ مستقل (حتی جمله) و یا جزء مقید (وند یا واژه‌بست) باشند. اگر هم‌پایه‌ساز قبل از پایه بیاید و به آن متصل شود، پیش‌هم‌پایه‌ساز<sup>۴</sup> است و اگر بعد از پایه بیاید پس هم‌پایه‌ساز<sup>۵</sup> محسوب می‌شود. به این ترتیب، پیش‌هم‌پایه‌ساز مقید پیشوند یا پیش‌بست خواهد بود، در

1. Lefebvre

۲. در زبان انگلیسی پایه‌های ساخت عطفی را گاهی conjuncts نیز می‌نامند.

3. juxtaposition

4. prepositive

5. postpositive

حالی که، پس هم‌پایه‌ساز مقید پسوند یا پی‌بست باید باشد. جدول شماره ۱ زیر ناظر بر هم‌پایه‌سازهای مقید است:

جدول ۱: مقوله دستوری و جایگاه هم‌پایه‌سازهای مقید با توجه به پایه

پیشوند	پیش هم‌پایه‌ساز	هم‌پایه‌ساز مقید
پیش‌بست		
پسوند	پس هم‌پایه‌ساز	
پی‌بست		

همان‌طور که گفتیم، هم‌پایه‌ساز آزاد هم می‌تواند باشد. در واقع، تنها با افزایش میزان دستوری‌شدگی است که هم‌پایه‌سازهای مقید به وجود می‌آید (برای توضیح بیشتر در مورد دستوری‌شدگی رک، هاپر<sup>۱</sup> و تراگوت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ نغزگوی کهن، ۱۳۸۷).

### ۱.۲. تعداد هم‌پایه‌سازها در ساخت هم‌پایه

همان‌طور که در مقدمه این مقاله گفتیم، به لحاظ تعداد هم‌پایه‌سازها، ساخت‌های هم‌پایه را می‌توان به یک هم‌پایه‌ساز و گسسته (دوگانه) // چند هم‌پایه‌ساز تقسیم کرد. در ساخت‌های دوگانه / چند هم‌پایه‌ساز برای هر پایه یک هم‌پایه‌ساز داریم، در حالی که تعداد هم‌پایه‌سازها در ساخت یک هم‌پایه‌ساز یکی کمتر از تعداد پایه‌هاست.

### ۲.۲. جایگاه هم‌پایه‌سازها در ساخت‌های هم‌پایه

با توجه به تقسیم‌بندی ساخت‌های هم‌پایه به دو دسته یک هم‌پایه‌ساز و گسسته، در دو بخش زیر به تفکیک جایگاه‌های منطقی هم‌پایه‌سازها را در هر از دو ساخت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱.۲.۲. جایگاه هم‌پایه‌ساز در ساخت یک هم‌پایه‌ساز

در هم‌پایگی یک پایه‌ساز، به‌طور منطقی چهار جایگاه برای هم‌پایه‌ساز قابل تصور است<sup>۳</sup> (هسپلمت، ۲۰۰۴: ۶):

- [A] [co B]
- [A co] [B]
- [A] [B co]
- [co A] [B]

هسپلمت اذعان می‌دارد که نوع چهارم در زبانی مشاهده نشده و نوع سوم هم کمیاب است. تمایز میان نوع اول و دوم همیشه آسان نیست و یک ساختار منطقی سه‌شقی متقارن دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد:

1. Hopper  
2. Traugott

۳. در این جدول CO هم‌پایه‌ساز و حروف انگلیسی هر کدام نماینده یک پایه هستند.

## [A] [co] [B]

ولی توافق عمومی بر این است که در انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی ساخت هم‌پایه تا حدی نامتقارن است و هم‌پایه‌ساز (عطفی) با پایهٔ دوم گروه‌بندی می‌شود. برای تعیین دقیق‌تر و عینی‌تر سازواری و ساختار درونی ساخت هم‌پایه و منتسب‌کردن هر زبان به چهار توزیع مختلف فوق، هسپلمت (۲۰۰۴: ۱۰-۷) سه ملاک اصلی زیر را به‌دست می‌دهد:

۱. اتصال واجی<sup>۱</sup>: در بعضی از زبان‌ها، هم‌پایه‌ساز به لحاظ واجی (به‌صورت واژه‌بست یا وند) به پایه متصل می‌شود. همین اتصال به راحتی می‌تواند به ما کمک کند تا بفهمیم در زبان مورد بحث کدامیک از توزیع‌های چهارگانه فوق وقوع دارد؛ مثلاً یکی از هم‌پایه‌سازهای عطفی در گفتار فارسی پی‌بست =e است:

## 2. gol=e ziba-y=e sefid

به لحاظ واجی =e به پایهٔ اول (زیبا) می‌چسبد. بنابراین، جایگاه این هم‌پایه‌ساز را به‌صورت زیر می‌توان نمایش داد:

## [A co] [B]

۲. گروه‌بندی آهنگی<sup>۲</sup>: وقتی هم‌پایه‌سازها کوتاه هستند ساخت A co B به‌صورت یک گروه آهنگین منفرد خوانده می‌شود، ولی وقتی طولانی هستند، معمولاً انقطاع آهنگی بین آنها وجود دارد و هم‌پایه‌ساز یا به اول پایهٔ دوم متصل می‌شود یا به آخر پایهٔ اول.

۳. خروج<sup>۳</sup> (جابه‌جایی به پایان بند): در بسیاری از زبان‌ها انتقال پایه‌ها به آخر بند ممکن است و همین امر سبب می‌شود که ساختی گسسته پدید آید. اگر انتقال پایه همراه با هم‌پایه‌ساز باشد، نشان از اتصال تنگاتنگ این دو جزء با هم است و همین امر مشخص می‌سازد که کدامیک از توزیع‌های چهارگانهٔ فوق در زبان وقوع دارد (برای مثالی از خروج در زبان فارسی رک. بخش ۳.۱.۱).

## ۲.۲.۲. جایگاه هم‌پایه‌ساز در ساخت عطفی گسسته

به‌طور منطقی، چهار ترتیب برای جایگاه هم‌پایه‌سازها در ساخت گسسته قابل تصور است:

- [co A] [co B]
- [co A] [B co]
- [A co] [co B]
- [A co] [B co]

با توجه به الگوهای فوق، همچنین داده‌های فراوان از زبان‌های جهان مشخص شده است که هم‌پایه‌سازها در جایگاه محیطی نسبت به پایه قرار دارند، ولی وقتی پایه‌ها طولانی هستند و بخصوص وقتی بند هستند، بعضی اوقات هم‌پایه‌ساز در جایگاه درونی نیز قرار می‌گیرد (هسپلمت، ۲۰۰۴: ۹). این امر را در اجزاء افزایشی<sup>۴</sup> «نیز» یا «هم» فارسی نیز می‌توان مشاهده کرد (رک. بخش ۳.۲.۲.۲).

1. clisis
2. intonational phrasing
3. extraposition
4. additive

### ۳.۲. حساسیت مقوله‌ای ساخت هم‌پایه<sup>۱</sup>

در بسیاری از زبان‌ها، نوع معنایی - نحوی پایه‌ها در انتخاب نوع هم‌پایه‌سازها تأثیر می‌گذارد (هسپلمت، ۲۰۰۷: ۲۰). در این قسمت، تنها به مقوله دستوری پایه‌ها و رابطه آن با کاربرد هم‌پایه‌های خاص توجه می‌کنیم. ساخت‌های هم‌پایه می‌توانند از گروه‌های اسمی، گروه‌های فعلی، گروه‌های صفتی، گروه‌های حرف‌افزایی، یا بندها تشکیل شده باشند. یکی از مسائلی که در هنگام توصیف ساخت‌های هم‌پایه قابل طرح است، استفاده از هم‌پایه‌سازها با پایه‌هایی است که متعلق به مقوله دستوری خاصی هستند، مثلاً در زبانی ممکن است هم‌پایه‌سازی با پایه‌های اسمی به کار رود، ولی با پایه‌های بندی کاربردی نداشته باشد. تا آنجا که می‌دانیم در بسیاری از زبان‌های هندو اروپایی هم‌پایه‌سازهای 'و' و 'یا' می‌توانند گستره‌ای از مقولات مختلف را به هم متصل کنند، مثل گروه‌های اسمی، گروه‌های فعلی، بندها، گروه‌های صفتی، گروه‌های حرف‌افزایی و جز آن. گرچه در بسیاری از زبان‌های افریقا و شرق آسیا حساسیت مقوله‌ای هم‌پایه‌سازها فراوان‌تر دیده می‌شود (هسپلمت، ۲۰۰۴: ۱۰). در زبان فارسی حساسیت مقوله‌ای برای بسیاری از هم‌پایه‌سازهای عطفی وجود دارد (رک. ۳).

### ۳. ساخت‌های هم‌پایه عطفی در فارسی

ساخت‌های هم‌پایه عطفی فارسی می‌توانند از رهگذر مجاورت پایه‌ها ([A] [B])، یعنی بدون استفاده از هم‌پایه‌ساز ساخته شوند:

۳. ما که رفتیم دیدیم رایگان نبود.

ولی بسیاری از ساخت‌های هم‌پایه‌ساز از رهگذر استفاده از هم‌پایه‌سازهای مقید و یا آزاد ساخته می‌شوند. در زیر، فهرستی از این هم‌پایه‌سازها را می‌آوریم و همزمان جایگاه آنها را در ساخت‌های هم‌پایه باز می‌نماییم.

#### ۱.۳. هم‌پایه‌سازهای مقید فارسی

در فارسی تنها دو هم‌پایه‌ساز مقید وجود دارد. این دو عبارتند از پی‌بست‌های =0 و =e (کسره اضافه). هر دو این هم‌پایه‌سازها، یک هم‌پایه‌ساز به‌شمار می‌روند؛ چون تعداد آنها در ساخت‌های هم‌پایه همیشه یکی کمتر از تعداد پایه‌ها است.

##### ۱.۱.۳. هم‌پایه‌ساز =0 [A] [coB]

هم‌پایه ساز =0 غیرتکیه‌بر است. این جزء در فارسی باستان به صورت utā و در فارسی میانه ud/u بوده است (کنت<sup>۲</sup>، ۱۹۵۳: ۱۷۵؛ شروو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۲۵۰). =0 مخصوص گفتار است و کاربرد فراوانی دارد و پایه‌ها با هر مقوله‌ای را به هم متصل می‌کند<sup>۱</sup>:

1. Category-sensitivity of coordinating construction  
2. Kent  
3. Skjærvø

3. man=o to

من و تو (ضمایر)

4. Ali-y=o Ahmad

علی و احمد (اسامی خاص)

5. nun=o panir

نون و پنیر (اسامی عام)

6. ye porteqâl=e dorošt=o âbdar vardâštam.

یه پرتغال درشتو آبدار ورداشتم. (گروه‌های صفتی)

7. az zamin=o havâ

از زمین و هوا (گروه‌های حرف اضافه‌ای، حرف اضافهٔ دوم به قرینه حذف شده است):

8. raftim=o xordim

رفتیمو خوردیم. (دو بند)

ولچلی<sup>۲</sup> میان «عطف طبیعی<sup>۳</sup>» و «عطف تصادفی<sup>۴</sup>» تمایز می‌گذارد. در عطف طبیعی، گویشوران پایه‌های خاصی را به‌طور منظم با ترتیب خاصی با هم به‌کار می‌برند. این پایه‌ها معمولاً یک واحد مفهومی می‌سازند، مثل «نان و پنیر» یا «زن و شوهر» (نیز رک. میتان، ۱۹۸۸: ۳۲۲). بقیهٔ ساخت‌های عطفی تصادفی به‌حساب می‌آیند. عطف‌های طبیعی تنها از دو پایه تشکیل شده‌اند و بنابراین بعضی آنها را «دو اسمی<sup>۵</sup>» نامیده‌اند (ملکیلی<sup>۶</sup>، ۱۹۵۹؛ لمبرشت<sup>۷</sup>، ۱۹۸۴). گاهی اوقات، وابستگی دو پایه به هم، چنان تنگاتنگ است که دیگر نمی‌توان آنها را ساخت‌نحوی در نظر گرفت و در واقع باید آنها را بر روی هم یک کلمهٔ مرکب همپایه<sup>۸</sup> انگاشت. بعضی از زبان‌شناسان برای تمایز ساخت‌های عطفی طبیعی و کلمات مرکب هم‌پایه ملاک‌های را به دست داده‌اند (رک. هسپلمت، ۲۰۰۷: ۲۴-۲۳). ساخت‌های عطف طبیعی معمولاً با هم‌پایه‌ساز =O ساخته می‌شوند.

در بعضی از زبان‌ها نوعی ساخت عطفی وجود دارد که در آن دو یا چند پایهٔ همسان با هم‌پایه‌ساز عطفی به هم متصل می‌شوند و ناظر بر معنای شدت، پایایی یا درجهٔ بالای مشخصه‌ای هستند. هسپلمت (۲۰۰۷: ۲۵) این ساخت‌ها را عطف فزاینده<sup>۹</sup> می‌نامد. در زبان فارسی این ساخت با استفاده از هم‌پایه‌ساز بومی =O یا هم‌پایه‌ساز قرضی /va/ «و» کاربرد دارد:

9. raft=o raft=o raft tâ be daryâ resid

۱. در نوشتار این پی‌بست را با «و» نمایش می‌دهند و در نوشتار رسمی و گفتار رسمی به صورت va می‌خوانند، بنابر این می‌توان با کمی اغماض نقش‌های «و»/va و =O را مشابه هم دانست.

2. Wälchli

3. natural conjunction

4. accidental conjunction

5. binominal

6. Malkiel

7. Lambrecht

8. coordinative compound

9. augmentative conjunction



رفت و رفت و رفت تا به دریا رسید.

با توجه به اینکه پی‌بست =O به سازه اول ساخت هم‌پایه متصل می‌شود، تعیین الگوی جایگاه هم‌پایه‌ساز =O آسان نیست. استیلو (۲۰۰۴: ۲۸۱-۲۷۴) ضمن کاربرد ملاک‌های اتصال واجی و گروه‌بندی آهنگی، نشان می‌دهد که رفتار واجی و آهنگی =O با رفتار نحوی این هم‌پایه‌ساز همخوانی ندارد. در واقع، به لحاظ واجی می‌توان جایگاه این هم‌پایه‌ساز را به صورت [A co] [B] نشان داد. این الگو با اعمال ملاک نحوی جابه‌جایی به پایان بند سازگاری ندارد. در ساخت‌های عطفی با پی‌بست =O، این پی‌بست به همراه پایه دوم جابه‌جا می‌شود:

10. be in do nahiy=e panir miforušand=o pašm.

به این دو ناحیه پنیر می‌فروشد و پشم.

ساخت عطفی هم‌پایه قبل از جابه‌جایی به صورت «به این دو ناحیه پنیر و پشم می‌فروشد» بوده است و با جابه‌جایی، هم‌پایه‌ساز به همراه پایه دوم انتقال یافته و به کلمه قبلی (می‌فروشد) متصل شده است. بنابراین، با توجه به این ملاک سازواری، ساخت هم‌پایه با =O به صورت [A] [co B] خواهد بود. از آنجا که در تعریف ساخت‌های هم‌پایه ملاک‌های معنایی و نحوی بسیار مهم‌تر از ملاک‌های واجی هستند. بنابراین، جایگاه این پی‌بست با تحلیل اخیر بسیار سازگار است و در اینجا نیز ما همین تحلیل را می‌پذیریم.

۳.۱.۲. هم‌پایه‌ساز =e [A co] [B]

برخلاف پی‌بست =O، هم‌پایه‌ساز =e (کسره اضافه) تنها با صفات در این نقش به کار می‌رود:

11. morq=e monjamed=e vâredâti-y=e gerân

مرغ منجمد وارداتی گران

در نبود ملاک‌های نحوی قابل اعمال برای این ساخت، و تنها با توسل با ملاک‌های آوایی جایگاه این هم‌پایه‌ساز را به صورت [A =co] [B] در نظر گرفته‌ایم.

۳.۲. هم‌پایه‌سازهای آزاد

هم‌پایه‌سازهای آزاد فارسی به دو دسته یک هم‌پایه‌ساز و گسسته تقسیم می‌شوند. در زیر هم‌پایه‌سازهای دارای نقش و جایگاه یکسان از یکدیگر تفکیک نشده‌اند، ولی آن دسته از هم‌پایه‌سازهایی که نقش یکسان دارند ولی جایگاهشان در ساخت هم‌پایه متفاوت است، در دسته‌های جداگانه آمده‌اند.

۳.۲.۱. یک هم‌پایه‌سازها

در زیر فهرستی از یک هم‌پایه‌سازهای فارسی را که در فارسی معاصر کاربرد دارند آورده‌ایم.

۳.۱.۱.۲. «و» /va/ [A] [co B]

هم‌پایه‌ساز «و» /va/ از عربی وام گرفته شده است. «و» در نوشتار و گفتار رسمی کاربرد دارد و می‌تواند پایه‌ها با مقولات دستوری مختلف را به هم متصل کند. در دو جمله زیر از این هم‌پایه به ترتیب برای اتصال دو بند و دو گروه اسمی استفاده شده است:

۱۲. برف آمد و راه بسته شد.

۱۳. مداد و خودکار خریدیم.

این هم‌پایه‌ساز مانند 0= می‌تواند در ساخت «عطف طبیعی» و تا حدی «عطف افزایشی» شرکت جوید (رک. بخش ۱.۱.۳). در زیر نمونه‌ای از کاربرد این هم‌پایه‌ساز در ساخت عطف افزایشی را آورده‌ایم:

۱۴. سمنو در بین زنانی که بچه‌دار نمی‌شوند می‌گردد و می‌گردد (شرق، ۲۸ اسفند ۹۰).

لازم به توضیح است که جزء «و» در نقش کلمهٔ ربط تقابلی نیز می‌تواند به کار رود (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲):

۱۵. هنوز فیلم مطلوبی در این بخش ندیدم که درجه یک باشد و امیدوارم در میان آثار بعدی بینم (ایران، ۱۵ بهمن ۹۰).

۳. ۲. ۱. ۲. «بعد»، «بعدهم»، «و بعد»، «سپس» / «و سپس» [co B] [A]

این هم‌پایه‌سازها همگی دو رویداد (بند) متوالی را به هم متصل می‌کنند. البته در مواردی تفاوت کاربردی اندکی با یکدیگر دارند. هم‌پایه‌ساز عطفی «بعد» از عربی وارد فارسی شده است. «بعد» دو گروه فعلی / بند را به هم ربط می‌دهد.

۱۶. در آنجا مثلاً حزب عدالت رای می‌آورد، بعد دبیرکل این حزب می‌شود نخست وزیر ترکیه (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).

۱۷. پرسید که نمایندگان چرا سری به شهرداری‌ها نمی‌زنند، بعدهم به کنایه گفت که شهادت می‌دهد نمایندگان از تمام ظرفیتشان برای کنترل دولت استفاده کردند (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).

۱۸. رئیس‌جمهور حق اظهار نظر در خصوص مسایل کشور را ندارد؟ و بعد سؤال کنیم که چرا این حرف را زدید (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).

«سپس / و سپس» نیز مانند هم‌پایهٔ «بعد» دو رویداد متوالی را نشان می‌دهد، ولی نسبتاً در موقعیت‌های رسمی‌تر کاربرد دارد:

۱۹. به تهران بازگشت و بعد مجدداً به سوییس رفت و سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق به نوشاتل عزیمت کرد (شرق، ۲۸ اسفند ۹۰).

۲۰. این را گفت، سپس راهش را کشید و رفت.

۳. ۱. ۲. ۳. «همین‌که»، «به محض اینکه»، «به مجرد اینکه» [B] [co A]

این هم‌پایه‌سازها نیز ناظر بر توالی دو رویداد هستند، ولی جایگاه آنها قبل از بند اول است:

۲۰. همین‌که رسید، گلابه را آغاز کرد.

۲۱. به محض اینکه رسید بانکی را دریافت کردیم، کتاب را برای شما ارسال می‌کنیم.

۲۲. تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار می‌شود، این را کانه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟!

## ۴.۱.۲.۳. «که» [A] [co B]

«که» می‌تواند در نقش هم‌پایه‌ساز عطفی ظاهر شود و رویدادهای همزمان را نشان دهد. این جزء در این نقش دو بند را به هم متصل می‌کند:

۲۳. آنها می‌خواستند در روز مبادا از این بوق‌های تبلیغاتی با هماهنگی بی. بی. سی و سی. ان. ان. ان و... سپری برای حفاظت از خود و توپخانه‌ای برای زیر آتش گرفتن جبهه مقاومت ضد صهیونیستی بسازند که ساختند (جمهوری اسلامی، ۲۸ اسفند ۹۰).

«که» می‌تواند در نقش هم‌پایه‌ساز «تقابلی» و «علی» نیز به کار رود (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲):

۲۴. قرار بود بیاید که نیامد.

۲۵. ایرانیان زیاد نوشابه می‌خورند که موجب چاقی آنها می‌شود (مردم‌سالاری، ۱۹ اسفند ۹۰).

۳. ۱. ۲. ۵. «وقتی که»، «همزمان» / «و همزمان»، «آن (اون) وقت که»، در حالی که، [B] [co A] این

هم‌پایه‌سازها تنها هم‌پایه‌ساز بندی هستند و دو رویداد هم‌زمان را به هم متصل می‌کنند:

۲۶. وقتی که حسین علیه السلام به بالای سر او می‌آید، می‌بیند دست در بدن او نیست.

۲۷. مشغول کارهای اداری بودیم، همزمان تبلیغات نیز می‌کردیم.

۲۸. چگونه می‌توان شعار وحدت داد و همزمان به بیان جریان سقیفه پرداخت؟

۲۹. اون وقت که داشت تلویزیون تماشا می‌کرد، خوابش برد.

۳۰. در حالی که تلویزیون تماشا می‌کرد، ورقه تصحیح می‌کرد.

۳۱. در حالی که سلانه سلانه راه می‌رود، یاد جمله‌ای از زنده‌یاد سهراب سپهری می‌افتد (همشهری، ۲۵

اسفند ۹۰).

«در حالی که» می‌تواند نقش تقابلی نیز داشته باشد که در این صورت معمولاً در ابتدای بند دوم به کار می‌رود.

۳. ۱. ۲. ۶. «همین‌طور» [A] [co B]، «همین‌طور که»، [A] [co B]

«همین‌طور» کاربرد افزایشی دارد و در آغاز بند دوم می‌آید:

۳۲. قانون جدید دیگری هم که از سوی دفتر موسیقی وزارت ارشاد منتشر شده بود، از این حکایت داشت

که تبلیغات محیطی برای خوانندگان پاپ ممنوع است، همین‌طور اخباری مبنی بر اجرای ریچارد کلایدرمن گیتارو در ایران منتشر شد (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).

«همین‌طور که» در معنای «در حالی که» است و دو رویداد همزمان را به هم متصل می‌کند:

۳۳. همین‌طور که راه می‌رفت، برای خودش آواز می‌خوند.

۳. ۱. ۲. ۷. هم‌پایه‌سازهای «دیگر اینکه»، «ضمن اینکه»، «مضاف بر اینکه»، «و علاوه بر آن / این»،

«علاوه بر آن / این»، [A] [co B]

این هم‌پایه‌سازها دو بند را به هم متصل می‌کنند و نقش افزایشی دارند:

۳۴. تنها خرد مستقل انسانی معیار این نقد و نظر است، دیگر اینکه این نقد اندیشمندان باید دایمی باشد (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).
۳۵. ضرورت عمده‌ی ارایه‌ی این آلبوم این که اینها مقایسه شوند، ضمن اینکه می‌خواستم این کار به‌عنوان یک کار پژوهشی، شنیدنی هم باشد (اعتماد، ۲۷ اسفند ۹۰).
۳۶. فکر می‌کنم به دلیل اینکه نیاز به احزاب به صورت یک جوشش از درون جامعه نبوده است، احزاب دچار افت و خیز فراوان بوده و ثباتی نداشته‌اند، مضاف بر اینکه سیاست‌های کلی که وجود دارد به دنبال ثبات و توسعه کار حزبی نبوده است (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).
۳۷. ورزش میزان تولید هورمون‌های مفید مانند تستوسترون را افزایش می‌دهد. علاوه بر آن فشار خون بالا را کنترل می‌کند و خلق و خو را بهبود می‌بخشد.
۳۸. در طول دولت‌های نهم و دهم فقط به تهران ۴۲۵۰ دستگاه اتوبوس با ۸۲/۵ درصد تخفیف داده‌ایم و علاوه بر آن، بارها و بارها بدهی کلان شهرداری تهران به بانک‌ها با کمک دولت استهسال شده است (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).
۳۹. قبل از تحویل سال باز ما با موج سرمای غریب دیگری سروکار خواهیم داشت، علاوه بر این، تا شروع سال نو حداقل برای یک مرتبه هم که شده هموطنان آذری، کرد، گیلکی، مازنی، لر، خراسانی، همدانی، تهرانی، قزوینی و قمی از ریزش‌های آسمانی بهره‌مند می‌شوند (همشهری، ۲۵ اسفند ۹۰).
۴۰. این سطل آشغال جاروبرقی هم هست و علاوه بر این وقتی پر شود خودش شما را خبر خواهد کرد. همه‌ی این هم‌پایه‌سازها می‌توانند به‌طور اختیاری با «هم/نیز» به کار روند (چنان که در مثال دوم «هم» به کار رفته است). در زیر برای نمونه چند جمله را با این اجزاء اختیاری که ناظر بر تأکید هستند، آورده‌ایم:
۴۱. تنها خرد مستقل انسانی معیار این نقد و نظر است، دیگر اینکه این نقد اندیشمندان باید دایمی [نیز/هم] باشد.
۴۲. ضرورت عمده‌ی ارایه‌ی این آلبوم این که اینها مقایسه شوند، ضمن اینکه می‌خواستم این کار به‌عنوان یک کار پژوهشی، شنیدنی هم [نیز] باشد (اعتماد، ۲۷ اسفند ۹۰).
۴۳. فکر می‌کنم به دلیل اینکه نیاز به احزاب به صورت یک جوشش از درون جامعه نبوده است، احزاب دچار افت و خیز فراوان بوده و ثباتی نداشته‌اند، مضاف بر اینکه سیاست‌های کلی که وجود دارد به دنبال ثبات و توسعه کار حزبی [نیز/هم] نبوده است (شرق، ۲۵ اسفند ۹۰).
- بنابراین، در صورت وجود جزء اختیاری دوم، هم‌پایه‌ساز را می‌توان به‌عنوان یک هم‌پایه‌ساز گسسته تحلیل نمود.

**۲.۲.۳. هم‌پایه‌سازهای گسسته**

از آنجا که در ساخت گسسته حضور یک هم‌پایه‌ساز موجب حضور هم‌پایه‌ساز دیگر می‌شود، بعضی از زبان‌شناسان این ساخت‌ها را ساخت «هم‌پایه هم‌بسته»<sup>۱</sup> نیز نامیده‌اند (هسپلمت، ۲۰۰۷: ۱۶). معمولاً این نوع هم‌پایه‌سازها به علت وقوع در همه پایه‌ها بیشتر حامل معنای تأکیدی هستند، به‌خصوص هم‌پایه‌سازهای مثل «هم...هم»، و «نه... نه» که حاصل تکرار جزئی مشابه هستند. به همین دلیل، این اجزاء دستوری را هم‌پایه‌ساز تأکیدی<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند (هسپلمت، ۲۰۰۴: ۱۰؛ ۲۰۰۷: ۱۵). در زیر فهرستی از این هم‌پایه‌سازها را به همراه خصوصیات معنایی و توزیعی‌شان آورده‌ایم.

**۱.۲.۳. «افزون بر»... «نیز»، «علاوه بر»... «نیز» [co A] [B co]**

این هم‌پایه‌سازها دو گروه حرف اضافه (با پس‌اضافه «را») را به هم متصل می‌کنند. پس‌اضافه اول در فارسی امروز حذف می‌شود:

۴۴. افزون بر ساختن بناهای جدید، مرمت آثار باستانی را نیز دوست داشت (=ساختن بناهای جدید (را) و مرمت آثار باستانی را دوست داشت).

۴۵. جوانان ورزشکار باید علاوه بر کوبیدن رقیب خود در عرصه‌های ورزشی، نفس سرکش را نیز باید بکوبند و نگذارند که انسان را مغلوب خود بسازد.

**۲.۲.۳. «علاوه بر آنکه / اینکه»... «نیز»، «علاوه بر اینکه / آنکه»... «هم» [co A] [B co ۳]**

این هم‌پایه‌سازها دو بند/گروه فعلی را به هم متصل می‌کنند:

۴۶. دانشگاه‌ها علاوه بر آنکه نقش محوری در توسعه علم و پیشرفت و آبادانی کشور دارند، وظیفه تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص را نیز دارند.

۴۷. قطع خدمات سوئیچ برای بانک‌های ایرانی از شنبه ۲۷ اسفند ۹۰ علاوه بر اینکه تأثیر بزرگی بر صنعت نفت ایران خواهد داشت، زندگی ایرانیان خارج از کشور که به ایران پول می‌فرستند یا برایشان پول فرستاده می‌شود را هم تحت تأثیر قرار خواهد داد (اعتماد، ۲۷ اسفند ۹۰).

**۳.۲.۳. «نه... نه»... «نه»، «نه»... «ونه»... [co A] [co B]**

این هم‌پایه‌سازها ناظر بر هم‌پایگی تأکیدی منفی<sup>۴</sup> هستند و از رهگذر تکرار نفی «نه» قبل از پایه‌ها ساخته می‌شوند. گاهی نیز پایه دوم و یا آخر با «و» کاربرد دارد. این نوع هم‌پایه‌ساز با پایه‌هایی از تمام مقولات دستوری کاربرد دارد:

۴۸. نه می‌خوره، نه می‌خوابه.

1. Correlative coordination

2. Emphatic coordinator

۳. «هم» و «نیز» وقتی در مقام جزء دوم هم‌پایه‌ساز هستند، در بسیاری از موارد (جز هم‌پایه‌ساز «هم...هم») در آغاز پایه دوم نمی‌آیند، بلکه آن را منقطع می‌سازند، در این مقاله، به تسامح جایگاه آنها در آخر پایه دوم در نظر گرفته شده است.

4. Emphatic negative coordination

۴۹. این گزارش‌ها نه سیاسی است و نه امنیتی (آرمان، ۲۸ اسفند ۹۰).
۵۰. این مرد نه وزیر شد، نه وکیل شد، نه رئیس اداره شد، نه پولی به هم زد، نه خانه ساخت، نه ملک خرید، نه مال کسی را با خود برد، نه خون کسی را برگردن گرفت (مردم سالاری، ۲۷ اسفند ۹۰).
۵۱. هنوز نه کسی رفته، نه کسی آمد، نه شما استیضاحی ارائه داده‌اید و نه ما می‌توانیم طرح ارائه نشده را اعلام وصول کنیم (اعتماد، ۲۸ اسفند ۹۰).
۵۲. منشور برادری اکنون نه تبیین می‌شود و نه سمیناری تشکیل می‌شود و نه اسمی از آن است (مردم‌سالاری، ۱۹ بهمن ۹۰).

۳. ۲. ۴. «هم»... «هم»... «هم»... «هم»... «و هم»، «نه تنها»... «بلکه»، [co A] [co B]
- این هم‌پایه‌سازها نقش افزایشی دارند و با پایه‌هایی از تمامی مقولات دستوری به کار می‌روند:
۵۳. تعداد انصراف‌دهندگان از دریافت یارانه همان میزانی است که هم در نظرسنجی‌ها و هم در بررسی‌های کارشناسانه از قبل مطرح بود و تفاوت چندانی با پیش‌بینی‌ها ندارد (شرق، ۴ اردیبهشت ۹۳).
۵۴. هم خود دانش آموز، و هم پدر و مادر وی، هستی و زندگی را بر هر آموزشی برتر می‌دانند (اعتماد، ۲۷ اسفند ۹۰).
۵۵. نه تنها تبیل نیست، بلکه خیلی هم زرنگه.
۵۶. در برآورد ذهنی خود قانون‌گریزی نه تنها هزینه‌ای در بر ندارد، بلکه منافی را نیز نصیب او می‌کند (شرق، ۲۸ اسفند ۱۳۹۰).

۳. ۲. ۵. «نه تنها»... «که»، [co A] [co B]
- این هم‌پایه نیز نقش افزایشی دارد، ولی تنها دو بند را به هم متصل می‌کند:
۵۷. نه تنها چیزی به اسم اعصاب برایتان باقی نمی‌گذارد که لقب مرده به خود می‌گیرد (همشهری، ۲۵ اسفند ۹۰).
۵۸. نه تنها به حق خود نرسیدیم که با خوردن یک گل دیرنگام ناکام شدیم (جام جم، ۱۹ شهریور ۹۱).

۳. ۲. ۶. «یک»... «دو»... «اول»... «بعد»، [co A] [co B]
- این هم‌پایه‌سازها ناظر بر توالی هستند و می‌توانند انواع پایه‌ها با مقولات مختلف دستوری را به هم متصل کنند:

۵۹. برای روشن کردن کامپیوتر کارهای زیر را انجام می‌دهیم:

یک: دوشاخه را به برق می‌زنیم.

دو: دکمه‌ی پاور را می‌زنیم.

۶۰. اول دارو را می‌خوری، بعد بیهوش میشی.

۶۱. اول خانم‌ها، بعد آقایون.

## ۳.۲.۷. «از یک سو»... «و از سوی»... «اعم از» ... «و» [co A] [co B]

این هم‌پایه‌سازها نیز معنای افزایشی دارند و دو بند را به هم متصل می‌کند:

۶۲. از یک سو هزینه‌ها زیاد است و از سوی پاسخگویی وجود ندارد (شرق، ۲۷ اسفند ۹۰).

## ۳.۲.۸. «اعم از» ... «و» [co A] [co B]

این هم‌پایه‌ساز معمولاً دو گروه اسمی را به هم متصل می‌کند:

۶۳. برای تحقق این امر باید از هرگونه درگیری مذهبی و فرقه‌ای اجتناب ورزید و نسبت به فعالیت‌های خصمانه علیه وحدت اسلامی، اعم از داخلی و خارجی به صراحت تبری جویید (مردم سالاری، ۱۹ بهمن ۹۰).

## ۳.۲.۹. «در حالی که»... «هم» [co A] [B co]

این هم‌پایه‌ساز ناظر بر ارتباط دو رویداد همزمان است:

۶۴. در حالی که بسیاری از مناطق اروپا در محاصره‌ی برف گرفتار شده‌اند بحران انرژی هم برخی کشورهای اروپایی را دچار مشکل کرده است (مردم سالاری، ۱۹ بهمن ۹۰).

## ۳.۲.۱۰. «اولاً»... «دوماً» [co A] [co B]

این هم‌پایه‌ساز معمولاً دو بند را به هم متصل می‌کند و به همراه مکث قبل از پایه به کار می‌رود و بنابراین، ناظر بر تأکید بیشتری است:

۶۵. در مورد سریه، اولاً: فلسفه این نام چیست؟ دوماً: چرا پیامبر(ص) در بعضی جنگ‌ها شرکت نمی‌کرد؟

## ۳.۲.۱۱. «نخست»... «دو دیگر» [co A] [co B]

این هم‌پایه‌ساز بیشتر با پایه‌هایی که گروه اسمی هستند به کار می‌رود:

۶۶. نخست شهر کهن دارابگرد که خاکریزهای پیرامون آن و همچنین تپه‌های پر رمزو رازش نشان دهنده دیرینگی این شهر است، دو دیگر بنایی در دل سنگ به نام آتشکده آذرخش که از زمان اتابکان فارس به آن مسجد سنگی گویند و سه دیگر نقش شاهپور که چیرگی او بر متجاوز رومی را نشان می‌دهد.

## ۳.۳. مقایسه انواع هم‌پایه‌سازها

در زبان فارسی ساخت‌های هم‌پایه عطفی از رهگذر هم‌نشینی و بدون استفاده از هم‌پایه‌سازها می‌توانند ساخته شوند. روش دوم استفاده از هم‌پایه‌سازها است. دیدیم که در این زبان هم‌پایه‌سازها می‌توانند مقید باشند. در جدول زیر، مشخصه‌های این نوع از هم‌پایه‌سازها را آورده‌ایم:

جدول ۲: هم‌پایه‌سازهای مقید

جایگاه	هم‌پایه‌سازی بند	هم‌پایه‌سازی گروه‌های حرف اضافه‌ای	هم‌پایه‌سازی گروه‌های صفتی	هم‌پایه‌سازی گروه‌های فعلی	هم‌پایه‌سازی گروه‌های اسمی	ویژگی هم‌پایه‌سازی
[A][co B]	√					=0/²
[A co][B]	-	-	√	-	-	کسره اضافه/e=

هم‌پایه‌ساز مقید =0، برخلاف e= کاربرد بسیار زیادی دارد، سابقه استفاده آن در فارسی نیز بسیار قدیم است. همان‌طور که از جدول ۲ نیز مشخص است، =0 مقوله حساس نیست، در حالی که e= تنها با گروه‌های صفتی به کار می‌رود. چنین توزیعی در تقابل با توالی تلویحی<sup>۱</sup> هسپلمت (۲۰۰۴: ۱۱ و ۱۲) است. وی در تحلیل خود ابتدا سه مقوله «گروه اسمی»، «گروه فعلی»، و «بند» را برای پایه‌ها در نظر می‌گیرد و بر اساس شواهد از زبان‌های جهان توالی تلویحی زیر را (از چپ به راست) مطرح می‌کند:

## NP – VP – clause

هسپلمت بر آن است که شیوه رمزگذاری ساخت‌های هم‌پایه با هم‌پایه‌سازها از توالی فوق پیروی می‌کند، یعنی مثلاً گروه‌های اسمی و گروه‌های فعلی می‌توانند مانند هم با هم‌پایه‌ساز یکسانی رمزگذاری شوند که با رمزگذاری بندهای عطفی فرق کند. یا هم‌پایه‌ساز ساخت عطفی گروه‌های فعلی می‌تواند مانند بند باشد. شیق ناممکن، گسسته شدن یا انقطاع چنین ترتیبی است، یعنی مثلاً ساخت‌های هم‌پایه با گروه‌های اسمی و بندها نمی‌توانند با هم‌پایه‌سازی به کار روند که با گروه فعلی کاربردی نداشته باشد. به این ترتیب، هسپلمت با توجه به شواهد توزیع متفاوت زبان‌ها را با توجه به نوع رمزگذاری هم‌پایه‌ساز با توالی‌های زیر نشان می‌دهد:

۱. رمزگذاری یکسان هم‌پایگی اسمی، فعلی و بندی (مثل زبان انگلیسی):

NP	VP	clause
----	----	--------

۲. رمزگذاری یکسان هم‌پایگی گروه فعلی و بندی و متمایز بودن رمزگذاری هم‌پایگی اسمی (مثل زبان آتاباسکان<sup>۲</sup>):

NP	VP	clause
----	----	--------

۳. رمزگذاری یکسان هم‌پایگی اسمی و گروه فعلی و متمایز بودن آن از هم‌پایگی بندی (زبان خاراکو<sup>۳</sup>):

NP	VP	clause
----	----	--------

۴. سه نوع رمزگذاری متمایز برای هم‌پایگی اسمی، فعلی و بندی (زبان سومالی):

NP	VP	clause
----	----	--------

هسپلمت سپس توالی تلویحی را با اضافه کردن گروه‌های صفتی افزایش می‌دهد:

1. implication sequence
2. Athabaskan
3. Xârâcùù



۱. در بعضی زبان‌ها، رمزگذاری هم‌پایگی گروه‌های اسمی، گروه‌های صفتی و گروه‌های فعلی مثل هم است (مثل انگلیسی):

NP	AP	VP
----	----	----

۲. در بعضی زبان‌ها، هم‌پایگی گروه صفتی مانند گروه فعلی و متمایز از گروه اسمی است (مثل زبان ژاپنی):

NP	AP	VP
----	----	----

۳. در بعضی زبان‌ها، هم‌پایگی گروه اسمی و گروه صفتی مانند هم است و متمایز از هم‌پایگی گروه فعلی است (مثل زبان چینی):

NP	AP	VP
----	----	----

۴. در بعضی زبان‌ها، تعدادی از گروه‌های صفتی مانند گروه‌های اسمی هم‌پایه می‌شوند و تعدادی دیگر مانند گروه‌های فعلی (مثل زبان هاوسا):

NP	AP1	AP2	VP
----	-----	-----	----

به این ترتیب، با توجه به شواهد و ادعای هسپلمت گروه‌های صفتی حدّ واسط گروه‌های اسمی و فعلی می‌باشند و توالی تلویحی نهایی به صورت زیر خواهد بود:

NP – AP – VP

مقوله حساس بودن هم‌پایه‌ساز عطفی =e در فارسی که تنها گروه‌های صفتی را با هم هم‌پایه می‌کند، باعث می‌شود نتوانیم این مورد را در هیچ‌یک از الگوهای پیشنهادی هسپلمت جای دهیم و بنابراین، رفتار فارسی در این زمینه منحصر به فرد است.

برخلاف هم‌پایه‌سازهای مقید که تنها دو هم‌پایه‌ساز را در بر می‌گیرند، تعداد هم‌پایه‌سازهای آزاد بسیار بیشتر است. اکثر قریب به اتفاق یک هم‌پایه‌سازهای آزاد («و») برای به هم متصل ساختن بندها کاربرد دارند:

جدول ۳: یک هم‌پایه‌سازهای عطفی فارسی

جایگاه	هم‌پایه‌سازی بند	هم‌پایه‌سازی گروه‌های حرف اضافه‌ای	هم‌پایه‌سازی گروه‌های صفتی	هم‌پایه‌سازی گروه‌های فعلی	هم‌پایه‌سازی گروه‌های اسمی	ویژگی هم‌پایه‌ساز
[A][co B]	√	√	√	√	√	و
[A][co B]	√	–	–	–	–	بعد
[A][co B]	√	–	–	–	–	بعد هم
[A][co B]	√	–	–	–	–	و بعد
[A][co B]	√	–	–	–	–	سپس



[A][co B]	√	—	—	—	—	و سپس
[co A][B]	√	—	—	—	—	همین که
[co A][B]	√	—	—	—	—	به محض اینکه
[co A][B]	√	—	—	—	—	به مجرد اینکه
[A][co B]	√	—	—	—	—	که
[co A][B]	√	—	—	—	—	وقتی که
[co A][B]	√	—	—	—	—	همزمان
[co A][B]	√	—	—	—	—	و همزمان
[co A][B]	√	—	—	—	—	آن وقت که
[co A][B]	√	—	—	—	—	در حالی که
[co A][B]	√	—	—	—	—	همین طور که
[A][co B]	√	—	—	—	—	همین طور
[A][co B]	√	—	—	—	—	دیگر اینکه
[A][co B]	√	—	—	—	—	ضمن اینکه
[A][co B]	√	—	—	—	—	مضاف بر اینکه
[A][co B]	√	—	—	—	—	و علاوه بر این / آن
[A][co B]	√	—	—	—	—	علاوه بر این / آن

در هم‌پایه‌سازهای گسسته، نسبت به یک هم‌پایه‌سازها گوناگونی بیشتری در مورد حساسیت مقوله‌ای به پایه دیده می‌شود:

جدول ۴: هم‌پایه‌های گسسته فارسی

جایگاه	هم‌پایه‌سازی بند	هم‌پایه‌سازی گروه‌های حرف اضافه‌ای	هم‌پایه‌سازی گروه‌های صفتی	هم‌پایه‌سازی گروه‌های فعلی	هم‌پایه‌سازی گروه‌های اسمی	ویژگی هم‌پایه‌سازی
[co A][B co]	—	√	—	—	—	افزون بر ... نیز
[co A][B co]	—	√	—	—	—	علاوه بر ... نیز
[co A][B co]	√	—	—	√	—	علاوه بر آنکه / اینکه ... نیز
[co A][B co]	√	—	—	√	—	علاوه بر آنکه / اینکه ... هم
[co A][co B]	√	√	√	√	√	نه ... نه
[co A][co B]	√	√	√	√	√	نه ... و نه
[co A][co B]	√	√	√	√	√	هم ... هم
[co A][co B]	√	√	√	√	√	هم ... و هم
[co A][co B]	√	√	√	√	√	نه تنها ... بلکه



[co A][co B]	√	—	—	—	—	نه تنها... که
[co A][co B]	√	√	√	√	√	یک... دو...
[co A][co B]	√	√	√	√	√	اول... بعد
[co A][co B]	√	—	—	—	—	از یک سو... و از سوی
[co A][co B]	—	—	—	—	√	اعم از ... و
[co A][B co]	√	—	—	—	—	در حالی که ... هم
[co A][co B]	√	—	—	—	—	اولاً... دوماً
[co A][co B]	—	—	—	—	√	نخست... دودگر

بر اساس جدول فوق، علی‌رغم کاربرد بسیاری از هم‌پایه‌سازها با بندها، هم‌پایه‌سازهایی نیز دیده می‌شوند که اختصاصاً با گروه اسمی یا گروه حرف‌اضافه‌ای کاربرد دارند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در ایجاد رابطه عطفی میان دو یا چند پایه در زبان فارسی، هم از هم‌نشینی پایه‌ها و هم از هم‌پایه‌سازها استفاده می‌شود. تعداد هم‌پایه‌سازهای عطفی آزاد فارسی بسیار بیشتر از هم‌پایه‌سازهای مقید و گسسته آزاد است.

هم‌پایه‌سازهای پر وقوع مثل =0، «و»، «هم»، «هم»... «هم» و جز آن نسبت به مقوله دستوری پایه‌ها حساسیتی ندارد و با هر پایه‌ای با هر مقوله دستوری کاربرد دارند. البته، هم‌پایه‌سازهایی نیز در فارسی داریم که تنها با پایه‌هایی که متعلق به مقوله دستوری خاصی می‌باشند، به کار می‌روند، مثل کسره اضافه که برای متصل ساختن گروه‌های صفتی کاربرد دارد، یا «افزون بر»... «نیز» و «علاوه بر»... «نیز» که برای ربط گروه‌های حرف‌اضافه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. حتی گروه‌های اسمی نیز می‌توانند هم‌پایه‌سازهای خاص خود را داشته باشند، مثل «اعم از»... «و»، «نخست»... «دو دیگر». با این حال، در زبان فارسی «بند» تنها مقوله‌ای است که بیشترین تعداد هم‌پایه‌سازهای مختص به خود را دارد؛ به طوری که تعداد ۲۴ هم‌پایه‌ساز عطفی مختلف تنها پایه‌های بندی را در ساخت هم‌پایه به هم ربط می‌دهند.

به لحاظ جایگاه هم‌پایه‌سازها در ساخت یک هم‌پایه‌ساز از چهار جایگاه منطقی که هسپلمت (۲۰۰۴: ۶) مطرح می‌کند، سه جایگاه زیر در فارسی وقوع دارد (شماره ۱: ۱۴ مورد؛ شماره ۲: ۹ مورد؛ شماره ۳: ۱ مورد):

1. [A][co B]
2. [co A][B]
3. [A co][B]

همان‌طور که قبلاً گفتیم، هسپلمت بیان می‌دارد که الگوی [co A][B] تاکنون در زبانی مشاهده نشده است. داده‌های فارسی ناقص این گفته است. البته، هم‌راستا با ادعای هسپلمت، الگوی کم کاربرد [A][B co] نیز در فارسی وقوع ندارد.

در ساخت دوهم‌پایه‌ساز تنها دو الگوی [co A][B co] (پنج مورد) و [co A][co B] (دوازده مورد) در زبان فارسی کاربرد دارد.

### منابع

- جم، بشیر (۱۳۹۱)، چگونگی تشکیل ترکیب‌های عطفی و تمایز آنها از گروه‌های نحوی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره دوم: ۳۳-۵۰.
- شعبانی، منصور؛ عالیه کرد زعفرانلو، کامبوزیا؛ آقاگلزاده، فردوس و گلفام، ارسلان (۱۳۸۹)، ساخت هم‌پایگی، ادب‌پژوهی، شماره سیزدهم: ۱۵۶-۱۳۱.
- نرگویی کهن، مهرداد (۱۳۸۷)، بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید، دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، پیاپی ۴: ۲۴-۳.
- نرگویی کهن، مهرداد (۱۳۹۲)، بررسی کلمات ربط تقابلی فارسی و چگونگی تکوین آنها، جستارهای زبانی، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۶: ۲۶۵-۲۴۵.
- Gazdar, Gerald, Klein, Evan, Pullum, Geoffrey, and Sag, Ivan (1985), Generalized phrase structure grammar. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Gil, David (1991), Aristotel goes to Arizona and finds a language without AND. In: Dietmar Zaefferer, (ed.), Semantic Universals and Universal Semantics. Berlin: Foris, 96-130.
- Haspelmath, Martin (2004), Coordinating constructions: An overview. In: Martin Haspelmath (ed.). Coordinating constructions. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, 3-39.
- Haspelmath, Martin. (2007), Coordination. in: Shopen. Timothy, "ed". Language Typology and Syntactic Description. Vol II, Complex constructions. Second edition. Cambridge University Press, 1-51.
- Hopper, Paul. J. and Traugott, Elizabeth Closs (2003), Grammaticalization. Second edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kent, R. G. (1953), Old Persian Grammm; Texts, Lexicon. 2nd rev. ed. New Haven: American Oriental Society.
- Kortmann, Bernd (1997), Adverbial subordination. A typology and history of adverbial subordinators based on European languages. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Lambrecht, Knud (1984), Formulaicity, frame semantics and pragmatics in German binomial expressions. Language 60, 753-96.
- Lefebvre, Claire (2004), Coordinating constructions in Fongbe with reference to Haitian Creole. In: Martin Haspelmath (ed.). Coordinating constructions. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, 123-164.
- Malkiel, Yakov (1959), Studies in irreversible binomials. Lingua 8, 113-160.
- Mauri, C. and Van der Auwera, J. (2012), Connectives. In Keith Allan and Kasia M. Jaszczolt (eds.). The Cambridge handbook of pragmatics. Cambridge: Cambridge University Press, 377-402.

- Mithon, Marianne (1988), The grammaticalization of coordination. In J. Haiman and S. A. Thompson (eds.). *Clause combining in grammar and discourse*. Amsterdam: Benjamins, 331-360.
- Skjærvø, Prods Oktor (2009), Middle West Iranian. In: Gernot Windfuhr (ed.), *The Iranian languages*. London and New York: Routledge, 196-278.
- Wälchli, Bernhard (2003), *Co-compounds and natural coordination*. Ph.D. dissertation. University of Stockholm.
- Yuasa, Etsuyo & Jerry M. Sadock (2002), Pseudo-subordination: a mismatch between syntax and semantics. *Journal of Linguistics* 38.1: 87-111.